

ارجاع به این مقاله: رزمخواه، حسن، ناظری، افسانه، حسینی، مهدی، جوانی، اصغر و امام جمعه، سید مهدی. (۱۴۰۲). بازتاب مؤلفه‌های «فلسفی ملاصدرا» در زیبایی‌های محتوایی و صوری آثار نقاشی «مکتب اصفهان». پیکره، ۱۲(۳۳)، ۵۱-۶۶.

ترجمه انگلیسی این مقاله در همین شماره با عنوان زیر منتشر شده است

The reflection of Mullah Sadra's philosophical components in the content and form beauty of Isfahan school paintings

مقاله پژوهشی

## بازتاب مؤلفه‌های «فلسفی ملاصدرا» در زیبایی‌های محتوایی و صوری آثار نقاشی «مکتب اصفهان»\*

### چکیده

**بیان مسئله:** ملاصدرا در مؤلفه‌های فلسفی خود به گونه‌ای به بیان زیبایی پرداخته که تأثیر این تفکرات در آثار هنری عصر صفوی به خصوص در «مکتب نقاشی اصفهان» بازتاب یافته است. مهمترین جریان هنری این مکتب را رضا عباسی و شاگردانش شکل دادند که در آثارشان نقشمایه‌ها و موضوعاتی در ارتباط با جهان پیرامون و جامعه فرهنگی - هنری آن زمان دیده می‌شود و به لحاظ کاربست عناصر بصری و همچنین محتوا با مؤلفه‌های فلسفی - عرفانی ملاصدرا به‌ویژه در آرای مرتبط با زیبایی و عشق مطابقت دارد. نگاره‌ها و مرقعات قطعی و منتسب به رضا عباسی و پیروانش جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند که جهت ارزیابی چگونگی ظهور مؤلفه‌های «فلسفی ملاصدرا» در آثار نقاشی مکتب اصفهان موردمطالعه قرار می‌گیرند. سوال پژوهش این است که چه ارتباطی بین مؤلفه‌های ملاصدرا در باب زیبایی با نقاشی مکتب اصفهان با تمرکز بر آثار نقاشی مکتب اصفهان وجود دارد؟

**هدف:** کشف زیبایی‌های نهفته در آثار مصور مکتب نقاشی اصفهان و انطباق آن‌ها با آرای ملاصدرا در باب زیبایی هدف پژوهش حاضر است. **روش پژوهش:** روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است که به‌روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای - اسنادی انجام شده است. جامعه آماری شامل منتخبی از ممتازترین نگاره‌ها و مرقعات مکتب اصفهان است که توسط رضا عباسی و شاگردانش خلق شده‌اند. **یافته‌ها:** داده‌های به‌دست‌آمده مبین آن است که عناصر به‌کار رفته در نگاره‌ها و مرقعات منسوب به رضا عباسی و شاگردانش بازتاب زیبایی به دو صورت صوری و محتوایی هستند که در مؤلفه‌های فلسفی عرفانی ملاصدرا قابل ردیابی است. در این آثار، زیبایی‌های ظاهری و باطنی که بعضی به‌گونه رمز و نماد به‌نمایش درآمده‌اند، نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی - اجتماعی روزگار صفوی و تفکرات فلسفی - عرفانی آن زمان است. به بیان دیگر، آثار رضا عباسی و شاگردانش، به‌عنوان نمونه شاخص و برجسته‌ای از آثار نقاشی مکتب اصفهان، با مؤلفه‌های ملاصدرا در باب زیبایی ارتباط دارند.

### کلیدواژه

فلسفه ملاصدرا، مکتب نقاشی اصفهان، رضا عباسی، عشق و زیبایی، زیبایی‌های محتوایی و صوری

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: [Razmkhah@neyshabur.ac.ir](mailto:Razmkhah@neyshabur.ac.ir)

۲. دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استاد گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

۴. استاد گروه نقاشی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۵. استاد گروه کلام و فلسفه اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (ع)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول در رشته پژوهش هنر با عنوان «عشق و زیبایی در نقاشی مکتب اصفهان و حکمت صدر» که با هدایت نویسندگان

دوم، سوم، چهارم و پنجم در دانشگاه هنر اصفهان به انجام رسیده است.

## مقدمه

«ملاصدرا» معروف به «صدرالمتألهین» از حکمای نیمه دوم عصر صفوی است که بیشتر از فلاسفه اسلامی دیگر به زیبایی پرداخته و جلد هفتم کتاب مشهور خود «اسفار» را به بیان زیبایی و هنر اختصاص داده است. او همچنین در تعریف زیبایی، از فلاسفه قبل از خود همچون فارابی، ابن سینا و سهروردی تأثیر فراوانی گرفته است. از نظرگاه صدرا، زیبایی امری تحسین‌برانگیز و منشأ زیبایی جمیل مطلق است. از جمله آثار زیبایی بر روی نفس مُدرک، لذت بخشی، ایجاد دوستی و عشق، اعجاب و تحسین‌برانگیزی است و زیبایی امری عینی و آفاقی است. به نظر وی، زیبایی با وجود، مساوت دارد؛ پس از ویژگی‌های وجود، مثل اصالت داشتن، مشکک بودن، وحدت داشتن و ... برخوردار است. منشأ هنر در نزد ملاصدرا، مظهر برخی اسم‌های حق تعالی مثل احسن‌الخالقین و مصور بودن و ... است و خیال، مبدأ قریب همه آثار هنری است. صدرا از قوه خیال و متخیله بحث می‌کند که در آفرینش هنری، نقش مهمی ایفا می‌کنند و معتقد است آنچه از کمال و صورت و جمال در این عالم یافت می‌شود، همه تمثلات چیزی است که در عالم اعلی هستند و بنابراین زیبایی‌های مُلکی تمثیل زیبایی‌های مُلکوتی و زیبایی مُلکوتی تمثیل زیبایی‌های اسمائی در ذات حق است. تأثیر اندیشه‌های ملاصدرا بر جریان‌های فکری و هنری معاصر او آنچنان است که با مروری بر آثار هنرمندان برجسته مکتب اصفهان، می‌توان بازتاب مؤلفه‌های او را بالأخص در بحث زیبایی و عشق خوانش نمود. از آن جمله، آثار نقاشی رضا عباسی است که امروزه به‌عنوان شاخص‌ترین هنرمند جریان‌ساز مکتب اصفهان شهرت دارند و بسیاری از جهت‌گیری‌های هنری این مکتب، براساس شیوه کاری او شکل گرفت. از آنجایی که ملاصدرا «زیبایی» را به «عشق» ارتباط داده است، بنابراین در جهت یافتن زیبایی‌های صوری و محتوایی مکتب اصفهان و ارتباط آن‌ها با آرای ملاصدرا، از آثار قطعی و منتسب به رضا عباسی و مهمترین شاگردانش بهره گرفت که مفهوم «عشق» در نگاره‌های آن مستتر است و با «زیبایی» ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. پرسش پژوهش حاضر این است: آرای ملاصدرا در باب زیبایی چه ارتباطی با زیبایی‌های صوری و محتوایی آثار مکتب نقاشی اصفهان با تمرکز بر آثار رضا عباسی و شاگردانش دارد؟ به‌نظر می‌رسد مؤلفه‌های نظری نگاره‌ها و مرقعات منسوب به رضا عباسی و شاگردانش، در کنار کاربست عناصر بصری که توسط هنرمند به‌درستی چیدمان شده، با آرای ملاصدرا در مورد زیبایی که در کنار عشق نظریه‌پردازی شده، قابل ردیابی و انطباق باشد.

## روش پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر، توسعه‌ای و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای-اسنادی است. در این پژوهش، ابتدا مؤلفه‌های ملاصدرا در مورد زیبایی بیان می‌شود و پس از آن ارتباط‌های فکری او در باب زیبایی با مکتب نقاشی اصفهان و به‌خصوص آثار رضا عباسی و پیروانش مطرح می‌شود. زیبایی در مؤلفه‌های ملاصدرا زمینه‌ساز عشق است و پس از مراحل مختلف به عشق نهایی و به تصویر زیبای متمثل شده در قلب عاشق و معشوق و اتحاد آن‌ها و در نهایت ذوب در معشوق حقیقی ختم می‌شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر ابعاد مختلف زیبایی چه در ظاهر و چه در باطن تحلیل خواهد شد.

## پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری به معرفی دیدگاه‌های فلسفی ملاصدرا در باب زیبایی پرداخته‌اند. از آن جمله، کتاب «اسفار» نوشته «ملاصدرا» (۱۳۹۲) است که مجموعه تفکرات ملاصدرا در خصوص عشق، زیبایی و هنر را شرح می‌دهد. ملاصدرا در جلد هفتم این کتاب، در حکمت متعالیه‌اش که به مکتب فلسفی اصفهان معروف است، بین وجودشناسی فلسفی و زیبایی‌شناسی ارتباط برقرار نموده و در خلال شناخت عشق حقیقی در مسائل مختلف زیبایی به تحلیل پرداخته است. «امامی جمعه» (۱۳۸۸) در کتاب «فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا» به ارتباط بین وجود، عشق، زیبایی و هنر پرداخته است. او با استفاده از آرای «صدرالمتألهین»، معتقد است بین اعمال عاشق در عشق عقیف و هنرمند در خلق اثر هنری مناسبت وجود دارد و عاشق در اعمال خود به زیبایی و هنر توجه دارد. مقاله «هاشم‌نژاد و نعمتی» (۱۳۹۰)، با عنوان «زیباشناسی در فلسفه صدرالمتألهین»، به آرای ملاصدرا در مورد زیبایی و مبانی حکمی آن پرداخته شده، لیکن در خصوص بازتاب آرای ملاصدرا در باب زیبایی با مکتب نقاشی اصفهان تحلیلی صورت نگرفته است. همچنین در بعضی مقالات مرتبط به پژوهش حاضر از نظر فرم و محتوا که به عرفان و عوالم ماوراء وابسته است، یافت شد؛ نظیر: «شایسته‌فر و کریمی» (۱۴۰۱) در مقاله «بازتاب اشعار مثنوی معنوی مربوط به داستان‌های پیامبران در نگاره‌های دوره صفوی» به بیان فضاهای چند ساحتی، عدم بُعدنمایی، کاربرد فرم یا صورت در نگاره‌های دوره صفوی که متأثر از بینش عرفان اسلامی است و نیز از خلال زیبایی‌های این جهان با توجه به عالم ملکوت پرداخته‌اند. در مقاله دیگری «مافی تبار» (۱۴۰۰) با عنوان «نشانه‌های تصویری تعیم در پیکرنگاری‌های درباری زنانه عصر زند و قاجار در قیاس با نگارگری مکتب اصفهان» به تبیین اینکه تک‌پیکره نگاری‌های زنانه در عصر زند و قاجار، زنان با حالت ایستاده، حرکات موزون و البته کمتر لمیده، مزین به زیورآلات و پوشش گرانبها تصویر شده‌اند. در حالی که اندام‌های زنانه در نگارگری مکتب اصفهان در تعامل و تناسب با دیگر اجزای صحنه تصویر شده‌است و زنان معمولاً در فضای بیرونی، فارغ از جلوه‌گری و غرق در خویشتن خویش در اندیشه یار، در عزلت نشسته‌اند و توجه‌ای به جهان خارج ندارند. مقاله «زهنورد» (۱۳۸۲) با عنوان «تجلی عشق بر نگارگری ایرانی-اسلامی (بررسی قصه خسرو و شیرین)»، در دو بخش بررسی اجمالی عشق و تأثیر عشق بر شکل و محتوای نگارگری قصه خسرو و شیرین، سامان‌دهی شده؛ اگرچه به صورت مختصر، عشق از منظر ملاصدرا مطرح شده، اما انطباق مؤلفه‌های ملاصدرا در باب زیبایی با نگاره‌های مکتب اصفهان انجام نگرفته است. در کتابی نوشته شده توسط «بابایی» (۱۳۸۶) با عنوان «پریچهره حکمت، زیبایی‌شناسی در مکتب صدرا»، به سابقه و تعاریف زیبایی و زیبایی در حکمت متعالیه که شامل مراتب زیبایی، عشق‌شناسی از منظر ملاصدرا، اسما و صفات الهی و تجلی الهی و ارتباط آن با زیبایی، رابطه دعا و زیبایی، حرکت جوهری و زیبایی، هنر در حکمت ملاصدرا و در مجموع هستی‌شناسی هنر و زیبایی و ارتباط آن‌ها با مؤلفه‌های حکمت متعالیه وی، پرداخته ولی در مورد موضوع مورد پژوهش حاضر تحلیل نشده است. «هاشم‌نژاد» (۱۳۹۲) در فصل اول کتاب خود با عنوان «زیباشناسی در آثار ابن سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین»، به چیستی زیبایی‌شناسی و هنر پرداخته و مسائلی همچون مبدأ زیبایی، غایت زیبایی، منشأ و مبدأ هنر، رابطه هنر با خیال و تخیل، رابطه هنر با معرفت و بقیه فصول کتاب را به وجوه تشابهات و افتراق در مورد مسائل زیبایی‌شناسی در آرای ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا پرداخته است. در کتاب‌ها و مقالاتی که درباره حکمت متعالیه ملاصدرا، هنر، عشق و زیبایی‌شناسی صدرا مطرح شده، در هیچکدام به طور مفصل به ارتباط و انطباق مؤلفه‌های ملاصدرا با نقاشی مکتب اصفهان پرداخته نشده و فقط «امامی جمعه» (۱۳۸۸) در کتاب «فلسفه هنر در عشق‌شناسی

ملاصدرا» در ارتباط با آرای ملاصدرا و مکتب نقاشی اصفهان، اشاره مختصری را نموده و آن هم در مورد عشق‌شناسی است. لذا از این نظر در پژوهش حاضر نوآوری دیده می‌شود.

## مبانی نظری پژوهش

۱. ملاصدرا و نظریه او در باب زیبایی: «محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی»، ملقب به «صدرالدین» و «ملاصدرا» و معروف به «صدرالمؤمنین»، در شیراز در خانواده‌ای بانفوذ و معروف در حدود سال ۹۷۹-ه.ق متولد شد (نصر، ۱۳۸۲، ۵۳). ملاصدرا به‌عنوان فیلسوف تأثیرگذار آثاری از خود به‌جای گذاشته است که با توجه به آرای پیشینیان، تفکرات جدیدی در فلسفه و عرفان ارئه داده است (نصر، ۱۳۸۲، ۸۲-۶۵). او در تعریف زیبایی، متأثر از فلاسفه قبل از خود، همچون فارابی، ابن سینا و سهروردی بوده و در آثار خود، به برخی مؤلفه‌های ابن سینا، مانند حُسن نظم، حُسن تألیف، حُسن اعتدال و وحدت در زیبایی اشاره کرده است «این عشق یعنی لذت بردن شدید از چهره زیبا و محبت مفرط نسبت به شخصی که دارای شمایل لطیف، تناسب اعضا و ترکیب خوشایند است. از آنجا که بدون تکلف و تظاهر همانند وجود امور طبیعی در نفوس اکثر مردم وجود دارد» (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ۱۷۲). شمایل لطیف، تناسب و ترکیب نیک، واژه‌هایی هستند که در اینجا به‌کار رفته است. از کلمات دیگری که ملاصدرا در توصیف زیبایی به‌کار برده: استحسان، موزون، لطیف، عُنج و دلال کلماتی هستند که ملاصدرا در بیان زیبایی به‌کار برده است. همچنین واژه «حُسن» از کلمات کلیدی در زیبایی‌شناسی دنیای اسلام است. ملاصدرا در «اسفار» می‌گوید: «الجمیل هو الذی یُستحسن» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۱، ۱۲۸). از جمله آثار زیبایی بر روی نفس مُدرک، لذت‌بخشی، ایجاد دوستی و عشق، اعجاب و تحسین‌برانگیزی است. زیبایی امری عینی و آفاقی است. به‌نظر صدرا، زیبایی با وجود مساوقت دارد، پس از ویژگی‌های وجود، مثل اصالت داشتن، مشکک بودن، وحدت داشتن، شمول داشتن و ... برخوردار است. منشأ هنر در نزد ملاصدرا، مظهر برخی اسم‌های حق تعالی مثل احسن‌الخالقین و مصوّر بودن و ... است. خیال، مبدأ قریب همه آثار هنری است. صدرا از قوه خیال و متخیله بحث می‌کند که در آفرینش هنری نقش مهمی ایفا می‌کنند. او معتقد به وجود عالم خیال منفصل است که انسان‌های عادی در هنگام خواب و دیدن رؤیا با آن مرتبط می‌شوند و عرفا در بیداری و در حالات مکاشفه، انسان‌ها می‌توانند مشاهدات خود را از علم خیال منفصل در قالب‌های هنری بریزند (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲، ۱۸۲-۱۴۰). ملاصدرا می‌گوید آنچه از کمال و صورت و جمال در این عالم یافت می‌شود، همه تمثلات چیزی است که در عالم اعلی هستند و بنابراین زیبایی‌های مُلکی مثل زیبایی‌های مُلکوتی و زیبایی مُلکوتی مثل زیبایی‌های اسمائی در ذات حق است (امامی جمعه، ۱۳۸۸، ۲۴۰). «بابایی» زیبایی را از منظر ملاصدرا به زیبایی حسی، زیبایی خیالی، زیبایی وهمی و زیبایی عقلی تقسیم کرده است:

- «زیبایی حسی» متعلق به عالم محسوسات است و قوای حسی آن‌ها را درک می‌کند.

- «زیبایی خیالی» مربوط به عالم خیال است و با قوه خیالی انسان درک می‌شود. یکی از قوای باطنی انسان خیال است که به آن مصوره هم می‌گویند.

- «زیبایی وهمی» به عالم وهمیات تعلق دارد و قوای وهمی از آن سود می‌برد. از نظر ملاصدرا این عالم به عالم خیال برمی‌گردد.

- «زیبایی عقلی» ارتباط با عالم معقولات دارد و قوای عقلیه آن را درک می‌کنند. عالم معقولات عالم آخرت محض بوده که عاری از ماده و هر نوع صورتی اعم از حسی و خیالی است (بابایی، ۱۳۸۶، ۱۱۶-۱۱۰). مؤلفه‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی بعضی صوری هستند و بعضی محتوایی. در پژوهش حاضر مطابق‌های تصویری یافته شد که تحلیل درباره آن‌ها بیان می‌شود؛ ولی در مورد مؤلفه‌های محتوایی که از دیده پنهان هستند، به‌غیر از موارد اندک، مطابق تصویری یافت نشد که در اینجا فقط در جهت کمک و تبیین تحقیق آورده شده است.

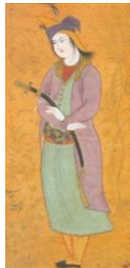
۲. **مکتب نقاشی اصفهان:** با روی کار آمدن شاه عباس اول صفوی، شماری از هنرمندان به خدمت شاه درآمدند و کتابخانه سلطنتی اصفهان و کارگاه هنری وابسته به آن به سرعت شکل گرفت (آژند، ۱۳۹۳، ۵۷). فرآیند تحول نقاشی مکتب اصفهان به لحاظ کالبدی، مسیری را سپری نموده که بی‌شبهت با سیر تحول و شکل‌گیری مکتب فلسفی اصفهان نیست. در نقاشی مکتب اصفهان پیکرها دیگر مثالی نیستند و به عالم واقع نزدیک می‌شوند. پایه‌های اولیه نقاشی مکتب اصفهان به دنبال تحول در نگرش نهاد دینی و حکومتی، از حدود سال ۹۹۵ تا ۱۰۳۸ ه.ق به قوام و تکامل لازم می‌رسد، اما خلاقیت و بدعت با سبک و اسلوب مشخص که تلفیق و ترکیبی است از عناصر گذشته، به بیانی کاملاً ایرانی و شخصی به صورت آثار «تکبرگی» و با تأکید بر خط و ارزش‌های آن در ساختار ظاهری و صوری، عالمی را نمودار می‌کند که بیان نظری آن در مکتب فلسفی اصفهان ارائه می‌شود (جوانی، ۱۳۸۵، ۱۷۱). از مهمترین هنرمندان مکتب اصفهان، رضا عباسی بود که با نوآوری در طراحی و انتخاب موضوع‌های جدید، باعث تحول در نگارگری ایرانی شد. او سنت واقع‌گرایی «بهزاد» و «محمدی» را ادامه داد و کوشید حرکات و سکنات آدم‌ها را به تصویر بکشد؛ با این حال، هیچگاه به شگردهای طبیعت‌گرایی چون برجسته‌نمایی و پرسپکتیو متوسل نشد. معروف‌ترین پیروان او عبارت‌اند از: «معین مصور»، «محمدقاسم»، «محمدیوسف» و «افضل الحسینی» (پاکباز، ۱۳۸۱، ۲۵۵-۲۵۴).

## آثار منتخب مکتب اصفهان جهت تحلیل ویژگی‌های محتوایی و بصری

از آنجا که در هنر ایده‌ها و آموزه‌های مذهب در شکل‌دهی و خلق آثار هنری نقش اساسی و بنیادین دارند، می‌توان گفت آنچه که در مکتب نقاشی اصفهان ساخته و پرداخته شده، از ایده و اندیشه حاکم بر آن دوران نشأت گرفته است. به این منظور، در این بخش جهت تبیین زیبایی‌های صوری و محتوایی در آثار نقاشی مکتب اصفهان، به تحلیل ویژگی‌های آثار هنرمندان شاخص این مکتب پرداخته می‌شود. جامعه آماری شامل ۱۲ نگاره از نسخ و مرقعات، مربوط به رضا عباسی (تصاویر ۱ تا ۸) و پیروان او (تصاویر ۹ تا ۱۲) می‌باشد که ارتباط بیشتری با مسأله عشق و زیبایی و آرای ملاصدرا داشته و از نظر ترکیب و اجرا اهمیت بیشتری دارند.



تصویر ۶. در محضر پیر، مرقع گلشن. منبع: <http://golestanpalace.ir>



تصویر ۵. مردی با شمشیر. منبع: کن‌بای، ۱۳۹۳، ۱۴۰.



تصویر ۴. جوانی با ردای آبی. منبع: کن‌بای، ۱۳۹۳، ۳۳.



تصویر ۳. جوان نشسته با پای برهنه. منبع: سودآور، ۱۳۸۱، ۲۷۰.



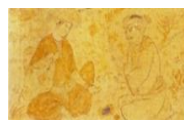
تصویر ۲. دختر چادربه‌سر. منبع: کن‌بای، ۱۳۹۳، ۶۹.



تصویر ۱. نگریستن خسرو شیرین‌را. منبع: کن‌بای، ۱۳۹۳، ۱۱۸.



تصویر ۹. زن لمبیده، هنرمند نامعلوم، مرکب. منبع: Swietochowski & Babaie, 1989, 50.



تصویر ۸. دادن جوان میوه را به پیرمرد. منبع: کن‌بای، ۱۳۹۳، ۵۶.



تصویر ۷. در محضر پیر، ۱۰۳۹ ق، مرکب، رنگ شفاف و مات و طلا روی کاغذ، مرقع گلشن. منبع: <http://golestanpalace.ir>



تصویر ۱۲. مجلس بزم در طبیعت، هنرمند نامعلوم، مکتب اصفهان. منبع: حسینی راد، ۱۳۸۴، ۵۱۹.



تصویر ۱۱. ضیافت دراویش، منسوب به افضل. منبع: سودآور، ۱۳۸۱، ۲۸۴.



تصویر ۱۰. دو دلداده، عمل رشید. منبع: <http://rezaabbasimuseum.ir>

## بازتاب مؤلفه‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های محتوایی و صوری در آثار منتخب

زیبایی در افکار ملاصدرا به مؤلفه‌های اصلی و زیربنایی حکمت متعالیه فلسفی او بازمی‌گردد. اولین و اساسی‌ترین اصل در حکمت متعالیه اصالت وجود است و به دلیل اینکه زیبایی با وجود مساوقت دارد، بنابراین هر حکمی که برای وجود هست، برای زیبایی نیز صادق است، مانند اصالت زیبایی، تشکیک زیبایی، وحدت زیبایی و غیره.

۱. مؤلفه‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های محتوایی: ملاصدرا در آرای خود، ضمن بیان زیبایی‌های صوری، به زیبایی‌های محتوایی که در باطن وجود دارد، می‌پردازد. این موارد عبارت‌اند از:

۱-۱. **شمایل لطیف:** در بعضی گفتارهای ملاصدرا شمایل لطیف، جزو زیبایی ظاهری و حسی است و در بعضی دیگر، جزو زیبایی باطنی.

۱-۲. **حسن خلق:** همچنان که انسان صورت ظاهری دارد که زیبایی آن به هریک از اعضا متصل است، همچنین باطن انسان ارکانی دارد که باید به زیبایی اخلاق وابسته شود و این ارکان عبارت‌اند از: علم، غضب، شهوت و عقل. قوه علم به توانایی ادراک بین صدق و کذب در اقوال و اعتقادات و شناسایی اعمال زیبا و زشت منتهی می‌شود. اعتدال در قوای شهوت و غضب به نگهداری آن‌ها تحت ضوابط و قواعد شریعت و حکمت و اعتدال قوای عقل و عدل به توانایی نگهداری قوه غضب و شهوت در چارچوب دین مشخص می‌شود (**امامی جمعه و احمدی، ۱۳۹۶**). زیبایی اخلاق از زیبایی‌های غیرظاهری است که عاشق با احساس آن در معشوق، واجد عشق لطیف و عقیف می‌شود و هنرمند با نمادها و نشانه‌ها درصدد بیان زیبایی‌های ظاهری و باطنی در نگاره‌های عاشقانه می‌باشد.

۱-۳. **رقت در طبع و لطافت قلب و نفس:** ملاصدرا معتقد است کسانی که طبع دقیق، قلب لطیف، ذهن صاف و نفس رحیمه دارند زندگی‌شان خالی از عشق و علاقه به زیبایی نیست (**ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۴**). عشق عقیف، سبب لطافت نفس و منور شدن قلب می‌شود (**ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۶**). طبق گفتار ملاصدرا، قلب رقیق و لطیف باعث به‌وجود آمدن عشق و زیبایی می‌شود.

۱-۴. **اعتدال مزاج:** صلاحیت موجوداتی که مزاجشان معتدل است برای دریافت فیض ربانی که همان درجات مختلف نفس است بیشتر خواهد بود (**سجادی، ۱۳۷۹، ۷۴**).

۱-۵. **اعتدال در رفتار و عفت و پاکدامنی:** اعتدال قوه غضب، شجاعت و شهامت است که از اخلاق پسندیده است، افراط در این قوه موجب تهور کبر و عجب و تفریط در آن سبب صفاتی همچون ترس و ذلت می‌شود. در مورد قوه شهوت، اعتدال آن عفت است و افراط در آن سبب بی‌عفتی و تفریط موجب خمودی می‌شود. از اعتدال قوه عقل و عدل نیز تدبیر و اتقان رأی حاصل می‌شود و از افراط در آن مکر و نیرنگ و از تفریط در آن حماقت و کودنی حاصل می‌شود. ملاصدرا اعتدال در قوای شهوت و غضب را به نگهداری آن‌ها تحت ضوابط و قواعد شریعت و حکمت و اعتدال قوه عقل و عدل را به توانایی نگهداری قوه غضب و شهوت در چارچوب دین. ملاصدرا همچنین برای حد افراط و تفریط هریک از این قوا ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد که می‌توان آن‌ها را ملاک زیبایی یا زشتی اخلاقی دانست (**ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۴۴۹-۴۵۱**).

۱-۶. **صفت رحمت در نفس انسان:** صدرالمآلهین در مورد ارتباط زیبایی انسان‌ها با فضائل نفسانی بیان می‌کند: زیبایی انسان‌ها در بیشتر موارد دلالت بر فضیلت نفسانی آن‌ها دارد، زیرا هنگامی که نورانیت نفس به کمال خویش برسد، این اشراق به بدن نیز سرایت می‌کند و از همین جهت است که گفته می‌شود چهره و چشم آینه باطن انسان هستند و به همین دلیل است که آثار خشم، شادی و غم در ظاهر انسان نمایان می‌شود (**امامی جمعه و احمدی، ۱۳۹۶**).

۱-۷. **استحسان:** «استحسان» در آرای ملاصدرا به معنای طلب دریافت و شناخت و کشف وجوه مختلف زیبایی، اعم از صوری و معنوی در معشوق است که دسترسی به آن در عشق‌های لطیف ممکن است. عشق لطیف سرچشمه و منشأ آن استحسان و ستایش شمایل محبوب است (**ملاصدرا، ۱۳۹۲، ج ۳، ۵۴۴**).

۱-۸. **اتحاد بین عاشق و معشوق:** ملاصدرا معتقد است: این اتحاد، تماس جسمانی نیست، زیرا اتصال غیر از اتحاد و یگانگی است. همچنین عشق وصف نفس است و نه بدن، اتحاد در عشق، مستلزم حضور دائمی عاشق و

معشوق در نزد یکدیگر است و مراد از اتحاد عاشق و معشوق، اتحاد نفس عاشق است با صورت معشوق و نیاز به حضور همیشگی در نزد عاشق است. از این روی، زیبایی‌های صورت و سیرت عاشق و معشوق است که در طی فرآیندی پیچیده سبب چنین اتحادی می‌شود. از عشق‌شناسان کسی گفته است «عشق، افراط در شوق به اتحاد است» (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۹).

۲. مؤلفه‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های صوری: ملاصدرا در آرای خود به بیان زیبایی‌های صوری پرداخته که عبارت‌اند از:

۲-۱. تناسب اجزا و حسن ترکیب: ملاصدرا عشق را التذاذ شدید در مواجهه با صورت زیبا و محبت مفرط به کسی که دارای شمایل لطیف و تناسب اعضا و نیکویی ترکیب است، معرفی می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۳-۵۴۴).

۲-۲. غنج و دلالت: عشق نفسانی به شخص انسانی اگر مبدأ واصل آن افراط شهوت حیوانی نباشد، بلکه استحسان و ستایش شمایل معشوق و زیبایی پیکر و ترکیب و اعتدال مزاج و اخلاق و متناسب بودن حرکات و ناز و کرشمه (غنج و دلالت) او باشد، چنین عشقی از فضایل انسانی به‌شمار می‌آید (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۵). غنج و دلالت حالت ناز و کرشمه و اطوار خاصی است که با چرخش بدن، فیگور به‌خود می‌گیرد و باعث زیبایی می‌شود و عاشق را به‌خود جذب می‌کند و در تصویر زیبایی ایجاد می‌کند.

۲-۳. تناسب حرکات و افعال: تناسب حرکات و افعال در گفتار ملاصدرا در کنار غنج و دلالت آمده و غنج و دلالت در تصویر اموری هستند که لحظه به لحظه واقع می‌شوند و مانند خوش‌ترکیبی امری ثابت و پابرجا نیست؛ بلکه فیگور در لحظات مختلف زیبایی‌هایی را در حالات و رفتاری که دارد و در هیأت‌هایی که به‌خود می‌گیرد، بروز می‌دهد (امامی جمعه، ۱۳۸۸، ۱۳۰). بنابراین تناسب حرکات و افعال در زیبایی‌شناسی ملاصدرا، اعتدال و مناسب بودن حالات رفتاری و کرداری می‌باشد. نمایش حالات، حرکات، سکنا و اطوار انسانی از ویژگی‌های مکتب اصفهان است.

۲-۴. اعتدال در حجم بدن، راست‌قامتی و قdblندی: از نظر ملاصدرا زیبایی عبارت است از قdblندی و راست‌قامتی به‌همراه اعتدال در حجم بدن و تناسب اعضا (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۴۵). اندامی نه چاق و نه لاغر و بلکه اعتدال در حجم بدن که زیبایی آن در شکل ظاهری بیشتر است و از زیبایی‌های ظاهری است.

۲-۴-۱. راست‌قامتی: تعبیر «ارتفاع‌القامه فی‌الاستقامه» به‌معنای راست‌قامتی و استواری جسم بیان شده است. استوار بودن در قامت و معتدل بودن تناسبات در حجم بدن و متناسب بودن اجزای چهره با یکدیگر باعث زیبایی چهره و اندام می‌شود که ملاصدرا به‌عنوان زیبایی در ظاهر تبیین نموده است.

۲-۴-۲. قdblندی: از ملاک‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی ظاهری و فرمی، قdblندی، راست‌قامتی به‌همراه اعتدال در حجم بدن و تناسب اعضا می‌باشد.

۲-۵. تقارن در شکل: «زیبایی آن نیست که باعث برانگیخته شدن شهوت می‌شود. این همان غریزه مذموم است. بلکه زیبایی عبارت است از تناسب اعضا و تقارن (تناسف) آفرینش چهره به‌گونه‌ای که انسان‌ها از نظر کردن به آن چهره اعراض نمی‌کنند» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ۱۸۲).

۲-۶. غرابت و آشنایی‌زدایی: یکی از صفتهایی است که فرمالیست‌ها آن را ملاک زیبایی برای فرم در اثر هنری می‌دانستند. از نظر هنرمند مدرن هر چیز آشنا غیر زیبایی‌شناسانه است و آن پنداری است از واقعیت که



سرچشمه قراردادی آن گم شده و اکنون به جای واقعیت معرفی می‌شود که ما از جهان آشنا و معمولی که به آن عادت کرده‌ایم جدا شویم و به‌دنیایی ناشناخته گام بگذاریم (احمدی، ۱۳۷۴، ۳۰۸).

۲-۷. نور و رنگ: ملاصدرا تعبیر وجودی از نور دارد. در بیان معنای نور و زیبایی، آن‌ها را با وجود مساوق می‌داند و معتقد است که وجود شیء ظهور آن است؛ بنابراین، وجود اجسام نیز از مراتب نور است و چون نور کمال موجود بما هو موجود است، وجود و نور دو لفظاند برای بیان یک حقیقت؛ بنابراین وجود رنگ و زیبایی هم ظهور آن است. در آیه «اللّه نور السموات و الارض» [نور: ۳۵] او «نور الانوار» را به معنای «وجود الوجودات» تفسیر می‌کند. به نظر وی حقیقت هر شیء عبارت از نوری است که به آن ماهیت آن شیء ظاهر می‌شود، بنابراین وجود هر شیء عبارت است از نوریت آن (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۴، ۲۵۳-۳۵۶). پرتوافشانی نور به‌عنوان موضوع فلسفه اشراقی، در هنر ایرانی چشم‌نواز است. درخشش انوار هنر نقاشی را جلوه‌ای زیبا بخشیده است. «بور کهارت» نور را نماد تجلی بی‌واسطه و غیرنظری حقیقت معنوی معرفی می‌کند و معتقد است نور نماد اندیشه بنیادین اسلام یعنی وحدانیت است و هیچ رمزی عمیق‌تر از نور برای بیان وحدت الهی وجود ندارد (بور کهارت، ۱۳۸۶، ۱۶۹). از این‌رو، هنرمندان مکتب اصفهان در ارائه آثارشان کوشش می‌کردند تا نوری را که در جانشان به‌صورت بالقوه، موجود است به بالفعل تبدیل کنند و آن نور را در آثار خویش منعکس سازند. اینگونه تفکر که در آثار صدرا تبیین گشته، در اندیشه‌های پیشینیان همچون سهروردی نوعی پشتوانه مابعدالطبیعه هنر اشراقی است. رنگ‌ها آئینه عالم وجودند. برتر از همه، رنگ سپید کنایه از وجود مطلق است و اصل و اساس تمام مراتب هستی که همه رنگ‌ها را به هم پیوند می‌زند. و پست‌تر از همه، رنگ سیاه نشانه نیستی است. میان دو مرز نور و ظلمت، همچون سلسله مراتب هستی، طیف رنگ‌ها قرار گرفته‌اند. البته رنگ سیاه معنای تمثیلی دیگری نیز دارد و آن «ذات خداوند» است که از شدت نورانیت، تیره و ظلمانی می‌نماید و برخی از عرفا آن را نور سیاه خوانده‌اند (نصر، ۱۳۷۱، ۶۸). «کسی که تأمل کند، می‌داند که وجود و نور از نظر معنی و حقیقت یکی هستند و از جهت لفظ فرق می‌کنند و تردیدی نیست وجود برای هر موجودی، از حیث موجود بودنش، خیر است و کمال و خداوند صرف و محض وجود است؛ بنابراین نور محض است. این وجه همانی وجود با نور این است که نورانیت نور به نور آن است؛ بنابراین اگر نورانیت و روشنایی را از نور بگیریم دیگر نور نیست؛ یعنی الظاهر بذاته المظهر لغيره نخواهد بود» (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ج ۴، ۱۴۶-۱۴۵).

۲-۸. جذابیت ظاهری و عدم رویگردانی: ملاصدرا هدف از زیبایی‌های ظاهری جسم را عدم رویگردانی مخاطبی دانسته که با فرم ظاهری مواجه می‌شود.

۲-۹. جوده النظام و اشرف النظام: ملاصدرا نظم را مسبب وحدت اثر هنری می‌داند. عواملی که سبب می‌شود اثر هنری به وحدت برسد، از ارکان زیبایی‌شناسی صدرا بی‌است. نظم در اشکال هندسی نظیر گره چینی و نظم در عناصر طبیعت و ریتم خطوط و سایر اجزا و ساخت و ساز بسیار دقیق برگ‌ها از مشخصات نقاشی ایرانی است و دقت در اجرا سبب وحدت کلی طرح خواهد بود. همچنین در سریان عشق در هستی، بر وجود نظم تأکید دارد: «هرکس که راه عرفای الهی را در این مقام می‌پیماید، سزاوار است که عشق موجودات را بر نظامی مرتب بدارد که هر عشقی نسبت به پایین‌تر، منتهی به عشق بالاتر - به‌گونه‌ای تمام‌تر و کامل‌تر - گردد و همینطور ادامه پیدا کرده تا منتهی به عشق واجب‌الوجود شود» (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ۵۸۲).

۳. همگامی مؤلفه‌های ملاصدرا با زیبایی‌های صوری در آثار منتخب: ملاصدرا نظم را مسبب وحدت اثر هنری می‌داند. نظم در عناصر بصری نگاره‌ها همچون نقوش هندسی معماری، آرایش برگ‌های درختان، عناصر تزئینی در لباس‌ها و غیره را هنرمندان نگارگر به کار برده‌اند و به‌طور کلی نظمی که سبب می‌شود تصاویر در نگاره‌ها به وحدت برسند و همچنین نظمی که در جهان و اجزای آن وجود دارد، به‌گونه‌ای که در سریان عشق شریک هستند و با شور و شوق در یک حرکت منظم کوشش می‌کنند تا به مراتب بالاتر برسند. ملاصدرا در مورد یکی دیگر از عناصر بصری مانند نور در آیات قرآن به تأثیر از سهروردی و ابن عربی در مبانی فلسفی‌اش بحث نموده است. نگارگران هم، به تأثیر از فلسفه و عرفان، عالم نورانی بدون سایه را ترسیم کرده‌اند؛ عالمی برتر از جهان مادی و سراسر پُر از نور و زیبایی که نظیر آن را در عالم مثال می‌توان یافت. حرکت نیز از عناصر دیگری است که ملاصدرا در مورد حرکت در زیبایی‌ها از ظاهر به باطن می‌پردازد و هنرمند همگامی تمام عناصر را در یک ترکیب که شامل کوه و صخره، درختان و شاخه‌ها و برگ‌ها، انسان‌ها، حیوانات و سایر اجزا را در حرکت و تکاپو ترسیم و نقش‌آفرینی می‌کنند. ملاصدرا بسیاری از مؤلفه‌های فلسفی و عرفانی‌اش در باب زیبایی را به موازات عشق مطرح می‌کند و آن‌ها عبارت‌اند از: «تناسب حرکات و افعال» معشوق که آن عبارت است از اعتدال و نیکو و زیبا بودن حالات رفتاری و کرداری معشوق برای جذب عاشق و دیگری «تناسب اجزا و زیبایی در ترکیب» که شامل قد بلند، راست‌قامتی، شمایل لطیف و تناسب اجزای صورت و کل بدن و درکل جذابیت ظاهری است که باعث انگیزه در انسان عاشق می‌شود. غنچ و دلال نیز عبارت است از هیأت و صورت زیبایی که معشوق به‌خود می‌گیرد تا معنا و پیامی را برساند و عاشق را جذب نماید (جدول ۱).

جدول ۱. زیبایی‌شناسی صوری نگاره‌ها بر مبنای آرای ملاصدرا. منبع: نگارندگان.

تصویر	مؤلفه ملاصدرا	نمود زیبایی در اثر	همگامی اثر با مؤلفه ملاصدرا در باب زیبایی
تصویر ۱	تناسب حرکات و افعال در انسان	تنوع در حرکت بالاتنه خسرو که برگشته و انگشت حیرت از زیبایی چهره شیرین بر دهان برده و سمت نگاه را از نظر بصری به طرف شیرین سوق داده و از طرفی این جهت حرکت نگاه توسط تنه و برگ‌های آن که مانند چتری بالای سر شیرین است، در سراسر صحنه به گردش درآمده است. هنرمند کوشش نموده علی‌رغم زیبایی در رنگ و ترکیب، تناسب حرکات و افعال را در اثر، گاهی به‌صورت ظاهر و گاهی در بطن اثر نهفته به‌نمایش بگذارد.	در تصویر در یک لحظه چشم خسرو به بدن عربان شیرین افتاده و شیرین که پوششی در بالاتنه ندارد، گیسوان خود را به‌حالت شرم به‌صورت خود می‌کشد. منظور از تناسب حرکات و افعال درست همین است؛ حرکات و افعالی که شیرین از خود بروز می‌دهد، اگر بر مبنای فطرت، عقل و قلب باشد، عاشق را جلب می‌نماید. اینگونه حرکات زیبایی‌شناسانه باعث پدید آمدن عشق پاک خواهد شد و دریچه‌ای از زیبایی‌های ظاهر به زیبایی باطن باز خواهد شد.
تصویر ۲	غنچ و دلال	در تصویر معشوق با چرخشی که به اندام خود داده و کنار زدن چادر، ناز و عشو، درصدد جذب عاشق است. این چرخش اندام و قلم‌گیری ظریف و همچنین نمایش صورت زیبا و شاخه گل در دست معشوق که احتمالاً از طرف عاشق است، بر زیبایی تصویر افزوده است.	صورت، حالت، نمایش حرکات و اطواری است که معشوق به‌خود می‌گیرد تا منشأ بهجت و لذت در عاشق گردد. و نیز هیأت و صورتی است که معشوق به‌خود می‌گیرد تا معنا و پیامی را برساند؛ پیامی که برای جذب عاشق صورت می‌پذیرد و آغاز عشق مجازی است و طبق آرای ملاصدرا عشق مجازی دریچه‌ای است به سوی عشق حقیقی. نمایش حرکات زیبا در پس چادر و عشو معشوقانه از موضوعات خاص نقاشی مکتب اصفهان می‌باشد.

تصویر	مؤلفه ملاصدرا	نمود زیبایی در اثر	همگامی اثر با مؤلفه ملاصدرا در باب زیبایی
تصویر ۳	وجود شمایل لطیف در انسان	ظاهر جذاب مرد جوان با نقش موهای مجعد و قلم‌گیری ظریف و زیبایی در اجرای لطیف پارچه و اندام، گره شال و پیشش امامه، به‌خصوص صورت بشاش، حکایت از آثار دوران اولیه رضا عباسی است. فردی در اوج جوانی با اندام لطیف که در تصویر کاملاً آشکار است.	ملاصدرا به استحسان، که به زیبایی‌های ظاهری و حسی و همچنین زیبایی‌های معنوی و خلقی اشاره دارد، می‌پردازد. به شمایل لطیف و به تناسب اعضا و نیز به نیکویی ترکیب اشاره می‌کند. زیبایی‌های باطن در ظاهر اثر می‌گذارد و همچنین با مشاهده زیبایی و رفتار ظاهر می‌شود به سیرت و زیبایی‌های باطن پی‌برد
تصویر ۴	قد بلند و اعتدال در حجم (نمایش اندام نه‌چندان چاق و یا لاغر)	اندام انسان به‌جهت زیبایی در تناسب با طول و عرض مجمله مقیاس می‌شود که معمولاً ارتفاع آن ۸ طول مجمله است. هنرمند در تصویر در جهت زیبایی در قد و قامت بلند، حتی اندکی از ۸ ارتفاع مجمله هم بیشتر ترسیم نموده است.	از ملاک‌های ملاصدرا در ارتباط با زیبایی ظاهری و فرمی، قدبلندی، راست‌قامتی به‌همراه اعتدال در حجم بدن و تناسب اعضا می‌باشد. اندامی نه چاق و نه لاغر و بلکه اعتدال در حجم بدن که زیبایی آن در شکل ظاهری بیشتر است و از زیبایی‌های ظاهری است.
تصویر ۵	راست‌قامتی و خوش‌اندامی	اندام بلند قامت که با مقیاس‌های زیبایی‌شناسی ترسیم شده و از نظر ترکیب منحنی شمشیر با خط صاف پیکره در تضاد است؛ زیرا از منظر زیبایی، این دو هم‌دیگر را بهتر نشان می‌دهند تا دو خط موازی.	استوار بودن در قامت و معتدل بودن تناسب در حجم بدن و متناسب بودن اجزای چهره با یکدیگر باعث زیبایی چهره و اندام می‌شود که ملاصدرا به‌عنوان زیبایی در ظاهر تبیین نموده است و بدون این زیبایی‌ها به زیبایی باطن که بسیار از نظر مرتبه بالاتر است، نمی‌شود رسید.
تصویر ۶	زیبایی در نور و رنگ	در تصویر آسمان طلایی است و رود نقره‌فام و طلا و نقره نور را از سایر رنگ‌ها بیشتر از خود ساطع می‌کنند و درخشان هستند. رنگ بنفش متمایل به آبی پس‌زمینه و کوه‌های پشت با شکوفه‌های سفید که در همه‌جا پراکنده هستند، بر شفافیت و نورانیت اثر افزوده. رنگ صورت شخصیت اصلی اثر، یعنی شیخ روشن‌تر از بقیه و تمامی رنگ‌ها گویی از درون نور تراوش می‌کنند و زیبا هستند.	تا نور نباشد رنگ‌ها مرئی نمی‌شوند، صدرا تحت تأثیر پیشینیان مانند سهروردی و ابن عربی، در تفسیرش از آیه نور در قرآن به‌طور مفصل و با استفاده از مبانی فلسفی‌اش، بحث نموده است. در نگارگری ایرانی، جغرافیای عرفانی اسلامی ترسیم شده توسط حکما و عرفا نمود تجسمی می‌یابد. در نگاره‌های ایران از جمله مکتب اصفهان آنچه جسمانی است، روحانی می‌شود و آنچه روحانی است، جز با رنگ‌های درخشان، نورانی و لطیف و بدون سایه نمود پیدا می‌کند، جهانی سراسر پر از نور.
تصویر ۷	وجود عشق پاک و معنوی به زیبایی‌های نهفته در صورت و سیرت	درخت مانند چتری بالای سر استاد و شاگردش، آن‌ها را به‌صورت زیبایی احاطه کرده، گرچه لب‌های آن‌ها بسته است، ولی نگاهشان به‌هم دوخته و مثل این است که نقاش تمایل داشته از این طریق ارتباط آن‌ها را مشخص نماید. زیبایی در نقش تصویر، حالت قرارگیری مؤدبانه آن‌ها و احترام متقابل، رابطه عشق پاک و علاقه را در جهت تعلیم و تربیت نشان می‌دهد.	عشق اساتید به جوانان انگیزه‌ای است تا جوانان به غایات مقصود خویش برسند، غایاتی که مقصود از آن‌ها، ایجاد نفوس انسان‌هاست و درحقیقت تحقق مراتب حقیقت نفس انسانی است. در این مراتب، عشق حقیقی بسیار بلند مرتبه و متعالی است. یافتن عشق حقیقی به معشوق حقیقی و معرفت به زیبایی‌های صوری و معنوی و ملکوتی از ویژگی‌های تعلیم بین اساتید و جوانان است.

تصویر	مؤلفه ملاصدرا	نمود زیبایی در اثر	همگامی اثر با مؤلفه ملاصدرا در باب زیبایی
تصویر ۸	تعلیم صنایع دقیقه و هنر و شاخه‌های آن	شیخ در تصویر نقش معلم را دارد، زیرا دفتر مقابل شیخ بر روی زمین از آن حکایت می‌کند. فرد جوان هم از نصایح او استفاده می‌کند. حرکت انگشتان و دستان شیخ نشان‌دهنده تعلیم به شخص جوان است.	در تعلیم و تعلم هنر چون شعر، نغمه، داستان و امثال آن‌ها و به‌طور کلی علوم و فنون، صورتی از معرفت حاصل می‌شود که زمینه توجه انسان را به معرفت‌های متعالی فراهم می‌کند و در اثر آن صورتی از عشق و زیبایی‌شناسی حاصل می‌شود که زمینه توجه انسان را به زیبایی‌های حقیقی فراهم می‌کند.
تصویر ۹	جذابیت ظاهری و عدم‌رویکردانی	پیچش در اندام و خطوط منحنی و نمایش اندام با حرکت زیبایی‌شناسی ریتم خطوط منحنی در سراسر اندام با تناسبات زیبا از زیبایی‌های صوری است که مخاطب را به‌سوی خود جذب می‌کند. حالت چهره غرق در تفکر است؛ در حالی که با انگشت با نقوش روی متکا بازی می‌کند.	ملاصدرا هدف از زیبایی‌های ظاهری جسم را عدم‌رویکردانی مخاطبی دانسته که با فرم ظاهری مواجه می‌شود. عاشق ابتدا زیبایی‌های ظاهر معشوق را می‌پسندد و سپس زیبایی‌های باطن او را کشف می‌کند و دل‌باخته معشوق می‌شود. پس مشخص است که زیبایی ظاهر نقش مهمی در شیفته شدن عاشق دارد.
تصویر ۱۰	صورت و اندام جمیل	معشوق در حال نوشتن نامه، نگاه موشکافانه‌ای به عاشق دارد و مرد زیباروی با نگاه معصومانه و به‌طریقه نشستن دو زانو درمقابل معشوق، در حال تماشای زیبایی‌هایی است که در جمال معشوق خود مشاهده می‌کند. شعر عاشقانه‌ای نیز در کتیبه بالا و پایین نگاره آمده که عاشقانه بودن نگاره را ثابت می‌کند.	مطابق با آرای صدرا عشق با مواجه با صورت و اندام جمیل و زیبا آغاز و باعث التذاذ می‌شود و عاشق با تکرار مشاهدات ظاهر زیبای معشوق و دریافت زیبایی‌های سیرت و رفتار باطنی معشوق و ترکیب زیبایی ظاهری با زیبایی‌های باطنی و در نتیجه استحسان شمایل محبوب به عشق حقیقی گرفتار می‌شود. عشقی که باعث اتحاد عاشق و معشوق می‌شود.
تصویر ۱۱	همه‌نگی در حرکت	در تصویر ضیافت درآویش و رقص عرفانی آن‌ها در جهت رسیدن به بعضی کمالات و دریافت فیض ربانی که بعضی فیض را دریافت کرده و مدهوش شده‌اند و بعضی دیگر که در تکاپو و رسیدن به این منظور هستند، از قاعده حرکت و رسیدن به زیبایی مطلق مستثنی نیست.	صدرا در زیبایی و همه‌نگی در حرکت، کل عالم را به رقصنده‌ای تشبیه می‌کند. از نظر او، هنگامی که ظاهر عالم در حرکت و رقص است، باطن آن اهتزاز یافته و غایات این رقص و اهتزاز در شرف و جمال متفاوت خواهد بود. در نهایت هر چه غایت حرکت برای باطن عالم، عالی‌تر باشد، حرکت و اهتزاز باطن بیشتر به سمت زیبایی مطلق خواهد بود.
تصویر ۱۲	جوده‌النظام، اشرف‌النظام	در سنت نگارگری تمام اجزا براساس نظمی خاص ساخته و پرداخته می‌شود. جایگزینی سراندام‌ها در تصاویر معمولاً در خیلی از تصاویر براساس منحنی حلزونی استوار است. این منحنی نیل به وحدت و کمال در نظمی خاص است. سایر عناصر نیز در تحرک و نظم هستند. نظم باعث وحدت در زیبایی اثر می‌گردد. نظم را می‌شود در نگاره بزم در طبیعت مشاهده کرد.	ملاصدرا نظم را مسبب وحدت اثر هنری می‌داند و عواملی که سبب می‌شود اثر هنری به وحدت برسد، از ارکان زیبایی‌شناسی صدرایی است. همچنین در سریان عشق در هستی، بر وجود نظم تأکید دارد. عشق در موجودات براساس نظامی مستحکم بنا شده و هر عشقی که در مرحله پایین است، منتهی به عشق بالاتر می‌شود تا سرانجام به عشق واجب‌الوجود واصل شود.

۴. همگامی مؤلفه‌های ملاصدرا با زیبایی‌های محتوایی: ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های محتوایی، حسن خلق و زیبایی اخلاق را مطرح می‌کند؛ او چهار قوه علم، غضب، شهوت و عقل را که هر کدام از آن‌ها چنانچه به حُسن و اعتدال آراسته گردد، به زیبایی اخلاق که در انسان‌ها پنهان است منجر می‌شود و این زیبایی‌ها به انضمام

زیبایی‌های ظاهری، سبب ایجاد عشق حقیقی می‌شود. ملاصدرا معتقد است کسانی که اعتدال مزاج دارند جهت دریافت زیبایی‌های صوری و محتوایی ارجحیت دارند و نیز انسان‌هایی که طبع دقیق، قلب لطیف و نفس رحیمه دارند، سراسر زندگی و جهان را پُر از عشق و زیبایی می‌بینند. او در مورد فضائل نفسانی معتقد است، هنگامی که نورانیت نفس به کمال خویش برسد، این اشراق به ظاهر هم سرایت می‌کند و عاشق با مشاهده زیبایی‌های ظاهر و دریافت زیبایی‌های باطن و در نتیجه استحسان شمایل معشوق به عشق حقیقی نائل می‌شود. در جدول ۲، مولفه‌های زیبایی‌شناسی ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های محتوا یا پنهان موجود در تصاویر مکتب نقاشی اصفهان، معرفی و شرح داده شده است. برخی موارد که به زیبایی‌های محتوایی ارتباط دارد، همچون حسن خلق، اعتدال مزاج، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط، تدبیر و اتقان رأی، دقت در طبع، صافی و انتظام ذهن با نمونه‌های منتخب مطابقت عینی ندارد؛ اما بازتاب برخی دیگر از مؤلفه‌ها که زیبایی بصری را تداعی می‌کند، همچون رقت، لطافت قلب و نفس، طیب، پاک و حلال بودن، صفت رحمت در نفس انسان و کمال و شدت وجود در تصاویر دیده می‌شود.

جدول ۲. زیبایی‌شناسی ملاصدرا در ارتباط با زیبایی‌های محتوا یا پنهان در نمونه‌های منتخب نقاشی اصفهان. منبع: نگارندگان.

مؤلفه زیبایی	ارتباط با نقاشی اصفهان	توضیح مؤلفه‌های نظری صدرالمتألهین
حسن خلق	مطابقت تصویری ندارد.	صورت باطنی انسان ارکانی دارد که برای حسن خلق باید همگی آن ارکان نیکو شوند و این ارکان چهار قوه علم و غضب و شهوت و عقل هستند. علم نوری است مقتبس از مشکوه نبوت در دل بنده مؤمن که به وسیله آن به خدا راه پیدا می‌کند و فرق میان علم و عقل آن است که عقل نوری است فطری که تمایز صلاح از فساد و خیر از شر را انجام می‌دهد. شهوت عبارت است از جنبش نفس در طلب لذت و آنچه را که دوست دارد. لذا قوه شهوت برانگیزاننده یا فراچنگ آوردن و قوه غضب، وادارکننده به دفع زبان منافی شهوت است. زیبایی اخلاقی از زیبایی‌های غیرظاهری است که عاشق با احساس آن در معشوق، واجد عشق لطیف و عقیف می‌شود و هنرمند با نمادها و نشانه‌ها درصدد بیان زیبایی‌های ظاهری و باطنی در نگاره‌های عاشقانه می‌باشد.
اعتدال مزاج	مطابقت تصویری ندارد.	صلاحیت موجوداتی که مزاجشان معتدل است برای دریافت فیض ربانی که همان درجات مختلف نفس است بیشتر خواهد بود. حق را مبدأ فیاض می‌دانند و فیض علی‌الدوام بر موجودات وارد می‌شود و همه موجودات همیشه از فیض رحمانی بهره می‌برند.
اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط	مطابقت تصویری ندارد.	اعتدال قوه غضب، شجاعت و شهامت است که از اخلاق پسندیده است. افراط در این قوه موجب تهور کبر و عجب و تفریط در آن سبب صفاتی همچون ترس و ذلت می‌شود. از اعتدال قوه عقل و عدل نیز تدبیر و اتقان رأی حاصل می‌شود و از افراط در آن مکر و نیرنگ و از تفریط در آن حماقت و کودنی حاصل می‌شود.
تدبیر و اتقان رأی	مطابقت تصویری ندارد.	از نیکویی قوای عقل و عدل نیز تدبیر و محکم و استوار بودن رأی می‌باشد.
عفت، غیرت و حیا	مطابقت تصویری ندارد.	ملاصدرا اعتدال در قوه علم را به توانایی ادراک بین صدق و کذب در اقوال و اعتقادات و شناسایی اعمال زیبا و قبیح تعریف می‌کند و اعتدال در قوای شهوت و غضب را به نگهداری آن‌ها تحت ضوابط و قواعد شریعت و حکمت و اعتدال قوه عقل و عدل را به توانایی نگهداری قوه غضب و شهوت در چارچوب دین. ملاصدرا همچنین برای حد افراط و تفریط هر یک از این قوا ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد که می‌توان آن‌ها را ملاک زیبایی یا زشتی اخلاقی دانست. در مورد قوه شهوت اعتدال آن عفت است و افراط در آن سبب بی‌عفتی و تفریط موجب خمودی می‌شود.

مؤلفه زیبایی	ارتباط با نقاشی اصفهان	توضیح مؤلفه‌های نظری صدرالمتهلین
طیب، پاک و حلال بودن	مطابقت تصویری ندارد.	طیب صفتی قرآنی است به معنای چیزی که هم حواس و هم نفس از آن لذت می‌برند؛ نقیض آن هم صفت خبیث است. طیب به معنای دلچسب و طبع پسند و همچنین به معنای پاک و حلال به کار می‌رود و نیز نیکویی هم در جوار طیب به کار می‌رود که به معنای زیبایی و زیبارو و خوب‌روست.
دقت در طبع	مطابقت تصویری ندارد.	ملاصدرا معتقد است کسانی که طبع دقیق، قلب لطیف، ذهن صاف و نفس رحیمه دارند، زندگی‌شان خالی از عشق مجازی و علاقه به زیبایی نیست.
رقت، لطافت قلب و نفس	مطابقت تصویری ندارد.	عشق عفیف، سبب لطافت نفس و منور شدن قلب می‌شود. طبق گفتار ملاصدرا، قلب رقیق و لطیف باعث به وجود آمدن عشق می‌شود. به وجود آمدن عشق هم از علاقه به زیبایی آغاز می‌شود و کسانی هم عاشق می‌شوند که دارای قلب لطیف و نفس پاک و رحیم هستند.
صافی و انتظام ذهن	مطابقت تصویری ندارد.	طبق گفتار ملاصدرا، ذهن صاف و منظم و آری از آلودگی‌ها سبب عشق لطیف می‌شود. وی معتقد است هرکجا زیبایی باشد این صفات موجود است و آنجایی که این صفات باشند عشق به وجود می‌آید.
صفت رحمت در نفس انسان	در تصویر ۶، هنرمند سعی نموده نورانیت در چهره شیخ را با رنگ‌های روشن که شخصیت عرفانی دارد، نشان دهد.	صدرالمتهلین در مورد ارتباط زیبایی انسان‌ها با فضائل نفسانی بیان می‌کند زیبایی انسان‌ها در بیشتر موارد دلالت بر فضیلت نفسانی آن‌ها دارد، زیرا هنگامی که نورانیت نفس به کمال خویش برسد، این اشراق به بدن نیز سرایت می‌کند. همچنین ظاهر نشان‌هایی از باطن دارد. جمال انسان بسیاری از آثار جمال و جلال الهی را دارد.
کمال و شدت وجود	در تصویر ۶، هنرمند زیبایی عالمی به غیر از عالم مادی و برتر از عالم حس را به تصویر کشیده، جهان بهاری و درختان پر از شکوفه و زمین سبز و خرم با انواع گل‌ها و گیاهان که تصور زیبایی عالم بالاتر را تداعی می‌کند.	ملاصدرا معتقد است عالم وجود همه نزول مراتب جمال هستند که از جمال مطلق الهی سرچشمه می‌گیرند و مرحله به مرحله از عالم عقول الهی تا مرحله حس تنزل پیدا می‌کنند. از این رو، هرچه به منبع وجود و جمال نزدیکتر شویم، با وجود شدیدتر و زیباتری مواجه خواهیم بود. هرچه وجود کامل‌تر و شدیدتر باشد، موجود زیباتر است. هرچه از عالم حس و ماده بالاتر رویم، این شدت وجودی بیش‌تر می‌شود و به‌طور کلی زیبایی‌های باطنی یا معنوی شدیدتر می‌شوند.

## نتیجه

یکی از مسائلی که ملاصدرا به آن پرداخته، اما هنوز هم می‌توان به‌مدد اصول او ابعاد جدیدتری از آن را مورد واکاوی قرار داد، مسأله زیبایی و هنر است. ملاصدرا طبق اصول و فلسفه حکمت متعالیه‌اش، زیبایی را اصیل، واحد و اشتدادی می‌داند. جمال از نظر وی، حقیقت واحدی است که برخی از مراتب آن در بالاترین مرتبه از زیبایی بوده است و برخی در مرتبه پایین‌تر قرار دارند. خداوند در بالاترین مرتبه، از حیث شرف و جمال، قرار دارد. زیبایی امری مشکک است، لذا بهره موجودات گوناگون از این حقیقت امری ذومراتب است. زیبایی با حرکت اشتدادی از پایین به بالا حرکت کرده تا سرانجام به مبدأ زیبایی مطلق خواهد رسید. از این رو، عجیب نیست که آثار نگارگری ایرانی خلق زیبایی در عوالم برتر را نشان می‌دهد. به‌نظر ملاصدرا، آنچه که از کمال، صورت، عشق و جمال در این عالم یافت می‌شود، همه تمثلات چیزی است که در عالم اعلی هستند. عالمی که این هنرمندان مصور می‌کنند، مادی نیست. در نگاره‌های نقاشی مکتب اصفهان، نقشمایه‌ها و موضوعاتی دیده می‌شوند که به‌لحاظ عناصر بصری و نیز محتوا، بیان‌کننده زیبایی‌های صوری و شکلی و بعضی به‌صورت رمز و نماد که از بصر و دیده پنهان هستند، می‌باشد. همچنین در آرای صدرالدین محمد شیرازی در باب زیبایی نیز مؤلفه‌هایی یافت می‌شوند که بعضی به زیبایی‌های ظاهری ارتباط دارند و دسته دیگر به زیبایی‌های محتوایی. به‌علاوه این دو گروه

زیبایی با هم رابطه متقابل دارند، یعنی ترویج زیبایی‌های ظاهری در انسان‌ها، باعث رشد صفات حسنه اخلاقی می‌شود و برعکس، زیبایی‌های محتوایی در شکل و ظاهر نیز بروز پیدا می‌کنند. بازتاب مؤلفه‌های صوری ملاصدرا در آثار نگارگری، به خصوص مکتب اصفهان، می‌توان یافت: ملاصدرا نظم را مسبب وحدت در اثر هنری می‌داند. نظم در عناصر بصری نگاره‌ها، مانند آرایش نقوش هندسی و گل‌ها دیده می‌شود. اندام‌ها با ریتم خاص منحنی حلزونی نیز در ترکیب آثار هنری نگارگری مشهود است. در مؤلفه غنج و دلال که معشوق حرکات و سکناتی برای جذب عاشق از خود بروز می‌دهد، نظیر حرکت اندام و انحنای بدن و نشان دادن زیبایی‌های زنانه مانند مو در پس پوشش چادر، نمونه‌هایی است که پژوهش حاضر در نمونه‌های منتخب به آن رسیده است. وجود لطافت و زیبایی در اندام، در گفتار ملاصدرا، در بعضی از آثار منتخب که باعث جذب معشوق می‌شود، قابل مشاهده است. اعتدال در اندام و راست‌قامتی و خوش‌اندami در تصاویری که در نگارگری سنتی و به خصوص مکتب اصفهان به کار رفته است، مانند تک‌نگاره‌های رضا عباسی، نمونه‌هایی از زیبایی‌های صوری هستند که در این پژوهش یافته شد. زیبایی در رنگ و نور، در نگارگری ایران، از جمله مکتب اصفهان، نشانگر آن است که آنچه جسمانی است، روحانی می‌شود و آنچه روحانی است، با رنگ‌های درخشان، نورانی و لطیف نمود می‌یابد. عشق‌های پاک و معنوی به زیبایی‌های نهفته در صورت و سیرت، از مشخصه‌هایی است که عاشق شیفته آن می‌شود. مؤلفه هماهنگی در حرکت کل عالم، در کل موجودات، اعم از نبات و جماد و انسان، حرکت به سوی کمال است. در تصویر ضیافت درویش، کل تصویر از نظر ترکیب ظاهری در حرکت و پویایی است هم در طبیعت و هم در اندام‌ها و همین حرکت ظاهری در رقص عرفانی درویش سبب حرکت عرفانی آن‌ها به سوی کمال و جمال است که پژوهش حاضر به آن رسیده است. سلسله زیبایی‌های محتوایی و صوری به زیبایی‌های مطلق الهی ختم می‌شوند. اما مؤلفه‌های ملاصدرا را در زیبایی‌های محتوایی بیشتر در مطالب تئوری و نظری می‌توان یافت، مثلاً در مؤلفه محتوایی «حسن خلق» که دارای ارکان علم، غضب، شهوت و عقل است مطابق تصویری برای آن یافت نشد و یا در مؤلفه محتوایی «عفت، غیرت و حیا» که باعث شیفتگی معشوق به عاشق می‌شود پیدا نشد. ولی در بعضی مؤلفه‌ها، مطابق تصویری آن را می‌شود تبیین و اثبات کرد. به عنوان مثال، مؤلفه «کمال و شدت وجود» در نگارگری، به خصوص در مکتب اصفهان، بعضی مراتب وجود نظیر عالم مثال را می‌توان دریافت کرد که تصاویری است پر از نور و جهانی بدون سایه که از عالم طبیعت مادی بالاتر رفته و به عالم مثال رسیده و کمال را برتر از عالم ماده ظاهر می‌سازد و بعد از آن به عالم عقول خواهد رسید. البته تصاویر عالم عقول را با رنگ و عناصر مادی نمی‌شود نشان داد و فقط در آن عالم می‌شود تجسم کرد. بنابراین هرچه وجود که عین زیبایی است کامل‌تر باشد، زیبایی آن هم بیشتر خواهد بود تا سرانجام به زیبایی مطلق برسد.

## تقدیر و تشکر

ضمن تشکر و قدردانی از اساتید محترم در راهنمایی و هدایت این پژوهش از راهنمایی بی‌دریغ سرکار خانم دکتر فرزانه فرخ‌فر نیز کمال تشکر را دارم. همچنین از سردبیر محترم و کادر اجرایی قدردانی می‌نمایم.

## منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۴). حقیقت و زیبایی. تهران: نشر مرکز.
- آژند، یعقوب. (۱۳۹۳). مکتب نگارگری اصفهان. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- امامی جمعه، سیدمهدی. (۱۳۸۸). فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا. تهران: مؤسسه تألیف و نشر آثار هنری.
- امامی جمعه، مهدی و احمدی، جمال. (۱۳۹۶). ملاک‌های زیبایی‌شناسی در فرم و محتوا از نگاه ملاصدرا. حکمت صدرایی، ۱(۶)، ۲۵-۴۰. Doi: 20.1001.1.23221992.1396.6.1.2.9
- بابایی، علی. (۱۳۸۶). زیبایی‌شناسی در مکتب صدرا. تهران: انتشارات مولی.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۶). مبانی هنر اسلامی (ترجمه و تدوین امیر نصری). تهران: انتشارات حقیقت.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۱). دایره‌المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- جوانی، اصغر. (۱۳۸۵). بنیان‌های مکتب نقاشی اصفهان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- حسینی راد، عبدالمجید. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: موزه هنرهای معاصر تهران.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۲). تجلی عشق بر نگارگری ایرانی - اسلامی (بررسی قصه خسرو و شیرین). هنرهای زیبا، ۱(۶)، ۶۹-۸۲.
- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۱). هنر دربارهای ایران (ترجمه ناهید محمدشمیرانی). تهران: کارنگ.
- شایسته‌فر، مهناز و کریمی، نرگس. (۱۴۰۱). بازتاب اشعار مثنوی معنوی مربوط به داستان‌های پیامبران در نگاره‌های دوره صفوی. پیکره، ۱۱(۲۸)، ۶۷-۸۳. Doi: 10.22055/pyk.2022.173670
- شیرازی، صدرالدین محمد(ملاصدرا). (۱۳۶۶). تفسیر القرآن الکریم (جلد ۷ و ۳ و ۱). قم: انتشارات بیدار
- شیرازی، صدرالدین محمد(ملاصدرا). (۱۳۹۲). حکمت متعالیه در اسفار عقلی اربعه (ترجمه محمد خواجوی). تهران: انتشارات مولی.
- شیرازی، صدرالدین محمد(ملاصدرا). اسرارالآیات (تصحیح محمد خواجوی). تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- کن‌بای، شیلا. (۱۳۹۳). رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش (ترجمه یعقوب آژند). تهران: انتشارات متن.
- مافی تبار، آمنه. (۱۴۰۰). نشانه‌های تصویری تنعم در تک پیکر نگاری‌های درباری زنانه عصر زند و قاجار در قیاس با نگارگری مکتب اصفهان. پیکره، ۱۰(۲۵)، ۳۴-۴۹. Doi: 10.22055/pyk.2022.17342
- نصر، سید حسین. (۱۳۷۱). سه حکیم مسلمان (ترجمه احمد آرام). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هاشم‌نژاد، حسین و نعمتی، جواد. (۱۳۹۰). زیباشناسی در فلسفه صدرالمتألهین. دوفصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه، ۳۹(۲)، ۱۶۲-۱۳۷.
- هاشم‌نژاد، حسین. (۱۳۹۲). زیبایی‌شناسی در آثار ابن سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین. تهران: انتشارات سمت.

